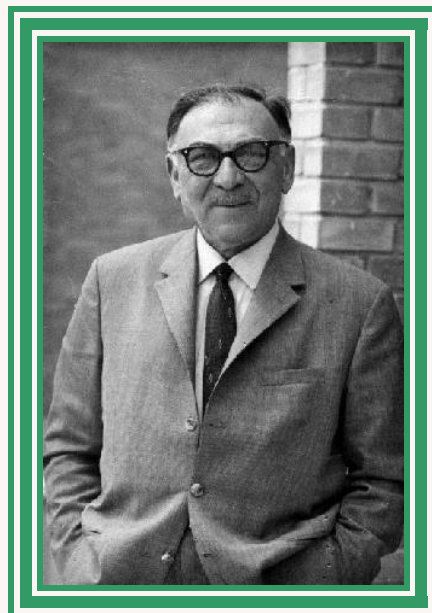


به یاد داوود پیرنیا

* دنیای ما *

پخش برنامه «گلها» از رادیو، موجب بالارفتن شناخت و آگاهی هر چه بیشتر مردم نسبت به شعر و ادب فارسی شد.



به یاد مؤسس و مبتکر برنامه گلها
«داوود پیرنیا» (۱۲۷۹- آبان ۱۳۵۰)

سده اخیر را بنابه علی می توان دوره تحول فکری و اجتماعی ایرانیان دانست؛ وقوع انقلاب مشروطیت، پایان دوره سلطنت چندین ساله خاندان قاجار و ظهور رضاشاه، گسترش روابط با دنیای غرب و از همه مهمتر و تأثیرگذارتر؛ ظهور پدیده ای به نام رسانه های ارتباط جمعی بود و پیامد آن بروز تغییرات بنیادین در فرهنگ تغییر دانه فرهنگی شد.

در این شرایط ممکن بود بر اثر برخی تندروی ها (به علت خود کم بینی، شیفتگی و اطاعت محض از فرهنگهای بیگانه) یا کندروی ها (به علت تعصبات نابجا و پافشاری بر سنتهای به جای مانده از گذشته) موسیقی سمت و سوی درستی نیابد و واقعیات اجتماع را نادیده بگیرد، اما در شرایطی این چنین با همت و تلاش مرحوم داوود پیرنیا و عده ای از هنرمندان دلسوخته و به منظور حفظ و نگاهداشت موسیقی اصیل ایران، برنامه «گلها» در رادیو شکل گرفت و از طریق این رسانه تازه تأسیس موسیقی هنری و فاخر ایرانی به گوش شنوندگان رسید.

پیرنیا در سال ۱۲۷۹ ش در تهران متولد شد. تعلیمات پدر (مرحوم حسن پیرنیا) که از روشنفکران آن دوران بود بر او بسیار مؤثر بود. تحصیلات ابتدایی را در منزل، نزد معلمان وقت فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل و فراگیری دروس زبان و... وارد مدرسه «سن لویی» شد. بعدها برای ادامه تحصیلات به سوئیس رفت و پس از فراغت از تحصیل در رشته حقوق، به وطن مراجعت و در وزارت دادگستری مشغول خدمت شد.

داوود پیرنیا، بنیانگذار و مؤسس کانون وکلا در ایران بود. پس از انتقال از وزارت دادگستری به وزارت دارایی، اقدام به تأسیس اداره آمار در ایران کرد. پس از چندی به ریاست کل نخست وزیری

وسپس معاونت نخست وزیری منصوب شد.

پیرنیا در زمان تحصیل علم حقوق در سوئیس، نواختن پیانو را فراگرفت و با اصول و قواعد موسیقی کلاسیک آشنا شد. عشق به موسیقی اصیل و سنتی ایران، او را برآن داشت تا مشاغل دولتی را کنار بگذارد و با جدیت هدف خود را دنبال کند و برنامه های ارزنده ای که امروزه، چون گنجینه ای گرانبها (برنامه گلها) از گذشته به یادگار مانده را از خود به جای گذارد و موسیقی اصیل ایرانی را نه تنها به مردم ایران بلکه به سایر ممالک معرفی کند. پیرنیا در مورد تأسیس برنامه «گلها» و علاقه اش به موسیقی می گوید: «از اوان کودکی، علاقه بسیاری به گل، بخصوص گل لاله داشتم. به خاطر دارم، وقتی که دبیر ادبیات، تکلیفی داد تا بر قطعه ای از «روسو» شاعر و نویسنده فرانسوی تفسیری بنویسم، وقتی برای چندمین بار آن قطعه را خواندم، از خانه همسایه آهنگی به گوشم رسید که از نظر مفهوم با قطعه «روسو» شباهت داشت. رابطه آن شعر و آهنگ به اندازه ای مشغولم کرد که به خانه همسایه رفتم و پس از عذرخواهی اسم آن آهنگ را پرسیدم. گفتند: «تنهایی» که یکی از آثار غیرمشهور «شوپن» است.

بعدها این اندیشه به ذهن پیرنیا رسید که قطعات ضربی موسیقی ایرانی هم در برنامه گنجانده شود. باتوجه به اینکه ترانه ها و تصنیف هایی که در آن زمان از رادیو تولید و پخش می شد، اغلب اصیل و ناب نبودند، پیرنیا با کوشش فراوان توانست نظر مقامات سازمان «برنامه و بودجه» را به اهمیت موضوع جلب کند و با اختصاص اعتباری، اقدام به تشکیل ارکستری با شرکت نوازندگان، خوانندگان و آهنگسازان صاحب نام آن دوره کرد که برنامه «گلهای رنگارنگ» در سال ۱۳۳۴ حاصل آن بود؛ برنامه ای که با قطعه ای ضربی و بدون کلام آغاز می شد و بعد از آن قطعه ای به صورت ساز و آواز به اجرا در می آمد و در پایان برنامه، قطعه ای ضربی به صورت تصنیف توسط خواننده، همراه با ارکستر اجرا می شد.

از سال ۱۳۳۹ ش به علت گسترش برنامه های رادیو، برنامه «گلها» نیز گسترش و تنوع یافت و بیشتر اوقات در دو قسمت اجرا و پخش می شد. برنامه «گل های جاویدان» که در آن یک یا دو ساز، به همراهی صدای خواننده، به اجرای برنامه می پرداختند و اشعار انتخابی آن اغلب از شاعران گذشته چون مولوی، سعدی و حافظ بود.

برنامه «گلهای رنگارنگ»؛ که اشعار آن بیشتر از شاعران معاصر هم چون رهی معیری نواب صفا، شهریار، معینی کرمانشاهی و... انتخاب می شد. از دیگر برنامه هایی که بعدها به برنامه «گلها» افزوده شد و به آن تنوع و گیرایی بخشید، «برگ سبز» بود که به ساز و آواز و شعرخوانی اختصاص داشت و در آغاز برنامه این دو بیت شعر خوانده می شد:

چشم بگشا که جلوه دلدار
به تجلی است از درودیوار
این تماشا چون بنگری گویی
لیس فی الدار غیره دیار

و برنامه با این جمله پایان می یافت:

«این هم برگ سبزی بود، تحفه درویش، علی نگهدارتان»

شاخه گل ، عنوان برنامه اي ۱۵ دقیقه اي بود که به معرفي يك شاعر و خواندن چندبیت از همان شاعر و سپس اجراي يکي از ترانه هاي «گل هاي رنگارنگ» مي پرداخت .
آنچه باعث محبوبیت و استقبال مردم هنردوست از برنامه «گلها» شد، يکي شناخت عميق مرحوم پيرنيا از شعر، ادب و موسيقي ايران و عامل ديگر، دقت و وسواس او در انتخاب اشعار و قطعات موسيقي بود. بارها يك قطعه موسيقي را مي شنيد و قسمتهايي از آن را انتخاب و قسمت ديگر را حذف مي کرد. پس از انتخاب شعر، آنها را با موسيقي تلفيق کرده و نوار ضبط شده را به دفعات مي شنيد و حتي براي کساني که به دیدنش مي آمدند، پخش مي کرد و از نظرات افراد صاحب نظر بهره مي جست .

پخش برنامه «گلها» از راديو، موجب تجديد چاپ مکرر ديوان هاي گوناگون شاعران گذشته و معاصر ايران ، بالارفتن شناخت و آگاهي هرچه بيشتري مردم نسبت به شعروادب فارسي و آشنايي مردم جهان با فرهنگ، هنر، شعروادب ايران زمين شد .
بطور خلاصه حاصل کار برنامه «گلها» عبارت است از :

- «گلهاي جاويدان» ۱۵۷ برنامه
- «گلهاي رنگارنگ» ؛ ۵۸۱ برنامه (اين برنامه از شماره ۱۰۰ شروع شده و تعدادي از برنامه ها داراي شماره «الف» و «ب» است) .
- «برگ سبز» ؛ ۳۱۲ برنامه
- «شاخه گل» ؛ ۴۶۵ برنامه
- «گلهاي صحرايي» ؛ ۶۲ برنامه
- «گلهاي تازه» ؛ ۲۰۱ برنامه

پس از درگذشت پيرنيا (درسال ۱۳۵۰ش) ، هنرمنداني که درتپيه برنامه «گلها» نقش داشتند، هرکدام به دنبال کار خود رفتند و اوضاع تغيير کرد. ديگران کوشيدند که راه او را ادامه دهند، اما «گلها» ي آنان رنگ و بوي «گلهاي» پيرنيا را نداشت.
زمانی که پيرنيا دچار سکنه قلبي و در بيمارستان بستري شده بود، دکتر معين افشار، دوست صميمي و با وفاي او، که تا پايان دوره خدمت پيرنيا در راديو، با وي همکاري داشت، سبدي از گل براي هدیه آورد که بر روي کارت همراه گل ها اين رباعي را نوشته بود:

تامهر درخشنده ومه تابان باد
عمرتو چون «گلها» ي تو جاويدان باد
چون آن همه شاخه هاي گل کز توشکفت
پيوسته دلت شاد و لب ت خندان باد

وبلاگ راديو گلها
به برگ سبز شماره 267، با صدای ایرج در لینک زیر گوش کنید:

http://www.4shared.com/file/18305319/7d7479ac/Barge_Sabz_267__Iraj_.html

<http://www.mahnaaz.com>